انّه هو اللّه لا اله الّا هو انّا کلّ به موقنون

قد اکثرت القول فی ذلک ولکنّ النّاس اکثرهم لا یفقهون آنچه از ظهورات معجزات که ذکر شد آنچه نسبت باین حقیر است کذب افتراه المکذّبون و آنچه نسبت بنقطهٴ اصلیّه و منبع فیض اوّلیّه و مرایای مستحکیه از او داده شده صدق یفوز به المخلصون ولکن آنچه از سماء مکرمت و سحاب مرحمت در بیان نازل فرموده‌اند حجّت کلّیّه و دلیل متقنه بجز تنزیل آیات چیزی قرار نفرموده‌اند لم ‌یزل و لا یزال این بود حجّت خدا بر اهل ارض اگر امری از معدن لطف و بها دون آن ظاهر شد فضلاً من اللّه بوده والّا اعظم حجّت همان است که خود قرار فرموده‌اند و من اصدق من اللّه حدیثاً و دیگر نباید بعضی انکار صرف نمایند در ظهور آنچه نسبت بانبیا داده شده زیرا که عقل عباد میزان نمیشود اگر بعین بصیرت ملاحظه شود آنچه در ارض مشهود است قبل از ملاحظهٴ آن جمیع ناس از اعالی و ادانی از ادراک آن عاجز بوده و هستند و خواهند بود مشاهده نما در شمس سما که باین مقدار که مشهود است چگونه کلّ من علی الارض از مشرق و مغرب و سایر جهات همه را بهجت و ضیا میدهد البتّه قبل از مشاهدهٴ آن از تعریف و توصیف عقل اقبال نمینمود در تصدیق چنین شیئ و هم‌چنین در کلّ شئونات صنع ملاحظه نما تا سرّ امر کشف شود و کلّ اشیا معجزهٴ انبیا بوده و هست فارجع البصر هل تری من فتور و در فرقان بسیار آیات دلیل بر این است اگرچه نفس آیه در نظر نیست ولکن مضامین آن آیات بدین قرار است مثلاً هو الّذی خلقکم و رزقکم افلا تبصرون و هو الّذی انبت من الارض نباتاً حسناً افلا تؤمنون و انزل من السّمآء مآء افلا تشکرون و خلق السّموات و الارض و ما بینهما و اسکن الجبال فضلاً من عنده و قلیلاً منکم ما تفقهون پس معلوم میشود آنچه هم مشهود است و متعلّق بقدرت است من عند اللّه بوده هل من خالق غیر اللّه قل سبحان اللّه ما من خالق الّا الّذی آمنت به المخلصون

بلی اگر گفته شود که معجزات که منسوب بانبیای قبل شده اگر صدق بود حال هم باید ظاهر شود این مطلب هم حرفی نیست که عقول منیره و افئدهٴ زاکیه متمسّک باو شوند بسیار میشود که امور از قبل واقع شده و حال نشده یا بالعکس و لکلّ امر خزائن عند ربّک ینزّلها کیف یشآء علی قدر من عنده ذلک ربّکم و ربّ آبآئکم الاوّلین مثلاً هر سی سنه عمّا فی عدّ ایّامکم تعدّون و تحصون ثمّ تحسبون در بعضی بلاد طاعون ظاهر میشود آیا مدّت تأخیر آن میتوان انکار نمود که چنین چیزی محقّق نبود والّا باید حال هم ظاهر شود یا امورات دیگر که از قبل ظاهر شد و حال نیست یا بالعکس و اگر گفته شود که چرا حال امری از ظهورات قدرت محضه و شئونات صرفه ظاهر نمیشود تا سبب علوّ ارواح عالیه و سموّ انفاس مقدّسه شود بلی هذا حقّ بمثل ما انتم فی البیان تنطقون و للّه المثل الاعلی ان انتم تعلمون

نظر نما بجریان این شطّ که مشهود است در حین طغیان و ازدیاد حرکت میکند و جاری است آنچه میکند در اقتدار خود ثابت است و آنچه از اطراف از نفوس ضعیفه فریاد کنند که سدّ معظّم خرق شد یا سدّ فلان محلّ باطل گشت یا فلان بیت خراب شد و فلان قصر منهدم گشت هیچ اعتنا ندارد و در کمال قهر و غلبه و قدرت و سلطنت سایر و ساری است و در جمیع مراتب تساوی حرکت مینماید مثلاً عمارت از هر که باشد چه از سلطان و چه از مسکین نزد سطوت او یک حکم دارد مگر آن عماراتی که استقلالی در استحکام خود دارند کذلک نضرب لکم الامثال لعلّکم بما انتم فیه توقنون نظر را دقیق کن و بصر را رقیق نما تا از نفحهٴ طیب بهجت و سنا بر قلبت وارد شود و بر عرش سکون متمکّن شوی اینست اعظم امور و اکبرها ان تستطیعون ان تجدون و دیگر آنکه ملاحظه نما که اگر شخص مقتدری بخواهد شطّ را سدّ نماید و زمام او را بسلطان قوّت و ملیک قدرت اخذ نماید در مراجعت آن چه‌ قدر خانه‌ها و منزلها خراب شود و چه مقدار نفوس غرق شوند بلی اگرچه اراضی یابسه که مدّتها در حرقت عطش مبتلا بودند فایز میشوند و بحیوة تازهٴ بدیع مشرّف میگردند و بقمص جدید ممتاز و مفتخر میآیند کذلک یبدع اللّه ما یشآء بامره و ما من اله الّا اللّه ذلک ربّ العالمین و هم‌چنین در اسرار قضائیّه و قدریّه ملاحظه نما که آنچه ظاهر شده و میشود مثل این شطّ امور در محلّ خود جاری است و ساکن اگر امری ظاهر شود بر خلاف آن چه‌ قدر خلاف در عالم احداث میشود اگر باین رمز دقیق رقیق که اخفی از هر سرّی است ملتفت شوی مستغنی میشوی از آنچه سؤال شده و میشود اینست که غیب احدیّه و ذات صمدیّه در هر عهد و قرن که اراده میفرمود آن شطّ حقیقی و بحر واقعی را از هیکل جدید و قمص بدیع ظاهر و جاری فرماید آن همه عمارات وجود و قصورات نفوس افکیّه غرق گشته و هلاک شدند در غایت عطش و نهایت ظمأ مستغرق شدند و معدوم گشتند و اینقدر ملتفت نگردیدند که شربه‌ئی از آن بیاشامند کذلک یحیی اللّه من یشآء و یهلک من یشآء و یثبت من یشآء و ینفی من یشآء ان انتم تعرفون خاصّه اگر در طغیان شطّ هویّه که از شمال احدیّه جاری است اریاح شرقیّه وزیدن گیرد چه ‌قدر از نفوس عالیه و اولو الافئده و قصورات محکمه و بناهای متقنهٴ رفیعه منهدم و معدوم خواهد شد فوالّذی امسک السّموات بقدرته و اجری البحار بامره که اگر خوف از اغلال مکنونۀ در اصدار نمیبود هرآینه جمیع امثال لاهوتیّه و دقایق احکام جبروتیّه را در همین جریان شطّ ظاهره تمام مینمودم ولیکن چگونه میشود که هیچ اقبال بامری ندارم از شدّت حزن وارده و همّ نازله این ایّام را در میان یأجوج صمت و مأجوج نطق مبتلا شده‌ام از خدا میطلبم که اسکندری را نازل فرماید تا سدّی حائل نماید اشارات غیبیّه در این عبارات مکنون شده و حروفات قدسیّه در اینکلمات مخزون گشته هنیئاً لمن اخذ لئالیها و عرف قدْرَها و وصل الی لقآئها

و بعد مشهود بوده و معلوم آمده که اصل اختلافات از اقصی عوالم معنی الی ادنی مراتب الفاظ بعلّت اختلاف صور مرایا است هر کس از آنچه در او است حکایت میکند و روایت مینماید مثلاً در همین مثال شطّ ملاحظه نما که بیکقسم جاری است و نسبت او بهمهٴ قصور و عمارات مساوی ولیکن هر اودیه که بیشتر گنجایش دارد بیشتر اخذ مینماید و هر سدّ که استحکام آن کمتر است کمتر مقاومت مینماید پس این اختلاف از محلّ برخواست و هم‌چنین ملاحظه نما در اشراق شمس ازلیّه که بیک اشراق مستشرق میشود در سموات افئدهٴ ممکنات و بعد در انطباع در صور مرایا مختلف میشود باختلاف نفس مرایا اینست که بعضی در علوّ فطرت و سموّ همّت واقفند و برخی در دنوّ جمودت و هبوط خمودت متّکی لکلّ مراتب عند اللّه و کلّ الیه راجعون ارباب بصیرت را بصری چون حدید باید و قلبی باندازهٴ وجود که تا فرصت در دست هست آن را از مشاهدهٴ جمال منع ننماید و این را از ماء حیوان عذب ممنوع نسازد تا از جمیع طعوم محظوظ شود و نصیب بردارد دیگر چه لزوم دارد که باقوال ناس متمسّک شود یا بافعال عباد متهتّک آید کلّ یشربون من مآء واحد و یسقون من بحر واحد و لکلّ درجات عند ربّک و کلّ علی ما هم علیه لسائرون امروز هر نفسی که مؤمن بطلعت اعلی و موقن بمقام او در عرش بعد از او باشد او را کفایت میکند از هر علمی و از هر عملی و رضای او و ایمان باو محقّق نمیشود مگر باطاعت امر او در کلّ شئون اینست نتیجهٴ اعظم افخم اقوم لا لدون اللّه من غایة و لا لغیره من نهایة و کلّ آنچه ذکر شده از اوصاف شطّ این مثلی بود که از قلم جاری شد فکر و تدبّر نموده تا جمیع اسرار غیبیّه از حجاب قرب و بعد و عالی و دانی منزّه شده کشف جمال نماید و ادراک نما مر آن بحر البحور را که کلّ بحور چون قطره خواهند بود در نزد عظمت او که چگونه در منبع ذات مبارکه و معدن صفات مبروکهٴ خود متموّج است و قل

سبحان اللّه ما اعجب امرک و ما اعظم قدرتک و ما اکبر سلطنتک و ما اقهر کبریائیّتک و ما نعلم منک شیئاً الّا بما انت علّمتنا من عندک من لسان مظهر نفسک و منبع ذاتک و معدن امرک و مکمن حکمک و انّک انت العالم بکلّ ما خلق و یخلق و انّک انت الحقّ علّام الغیوب

یا جواد یکحرف بر تو القا مینمایم محض رحمت و شفقت که از جواهر کتُب و سواذج صحف اخذ شده تا از سحاب احدیّه ماء صمدیّه بر حقیقت تو و حقایق عباد جاری و نازل شود تا بحیوة ابدی و زندگانی سرمدی فایز گردید و آن اینست فاملکوا قلباً جیّداً حسناً منیراً لتملکون ملکاً باقیاً دائماً ابداً قدیماً اینست کنزیکه متعلّق بسما است و اگر زنده و قائم شود هرگز نمیرد و فانی نشود و هذا لنور لا یُطفی و کنز لا یُفنی و قمص لا یُبلی و ظهور لا یخفی به یضلّ کثیراً و یهتدی الآخرون حمد کن خدا را که محلّ القاء این کلمهٴ جامعه و رنّهٴ لاهوتیّه و این غنّهٴ جبروتیّه شدی محکمتر از این کلمه چیزی نیافتم والّا القا مینمودم نصیحتی اعظمتر از این کلمهٴ مذکوره نیست فاحفظوها ان تریدون ان تجدون الی ذی العرش سبیلاً نظر بحبّ این عبد بآنجناب این جواب نوشته شد والّا ابداً میل تقریر مطلبی و تحریر حرفی ندارم و کفی باللّه لی شهیداً و علیکم وکیلاً اذاً قم برجل الحدید علی صراط الّتی امددناها علی ارض الرّوح البیضآء و بعین اللّهیب فانظر الی ارکانها و قوامها و بسمع الیاقوت اسمع ما ظهر منها فیما سئلت عنها و بکفّ الذّهب و اصابع القدرة خذ ما فیها و علیها و بلسان السّیف غنّ و رنّ و کفّ و دفّ بانّه لا اله الّا هو و انّ علیّاً قبل محمّد ذات اللّه و کینونیّته الباقیة و محمّد قبل علیّ معدن امر اللّه و ذاتیّته الدّائمة و طلعة الحیّ مکمن حکم اللّه و انّیّته القائمة و حروف الحیّ اوّل مؤمن باللّه و آیاته و انّا کلّ بهم متمسّکون و انّ هذه لکلمة یفصل بین الحقّ و الباطل الی یوم الّذی یقوم السّاعة اذاً کلّ یحضرون بین یدی اللّه و کلّ بامره قائمون و البهآء علی من آمن به یوم لقآئه و کان بین یدیه من القائمین

این سند از [کتابخانهٔ مراجع بهائی](http://www.bahai.org/fa/library) دانلود شده است. شما مجاز هستید از متن آن با توجّه به مقرّرات مندرج در سایت [www.bahai.org/fa/legal](http://www.bahai.org/fa/legal) استفاده نمائید.

آخرین ویراستاری: ۲۲ مه ۲۰۲۴، ساعت ۶:۰۰ بعد از ظهر